

الگویی برای تنظیم رفتار در فضای معماری بر اساس الگوهای ایده آل رفتار - کالبد در اسلام (مطالعه موردی: نمازخانه‌های فرودگاه)

مسعود ناری قمی^۱، محمد جواد عباس زاده^{۲*}

^۱ دکتری معماری، پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران
^۲ کارشناس ارشد، معماری داخلی، پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۹/۱۲

چکیده

مطالعات رفتارشناسی با در نظر داشتن دوگانه کالبد معماری و فرهنگ، همواره از جایگاه ویژه‌ای در نظریه‌های محیطی برخوردار بوده است. موضوع اصلی این پژوهش، بررسی و تحلیل این گونه مطالعات در جهت نزدیک شدن به «تنظیم رفتار» با تکیه بر فرهنگ اسلامی است. برای این منظور، پس از بحث مفهومی پیرامون چارچوب نظری پژوهش که گرایش‌های معاصر طراحی را در حوزه تنظیم رفتار مد نظر قرار می‌دهد، مدلی برای برنامه‌دهی برای در نظر گرفتن دو مقوله «واقعیت‌های رفتاری» و «ایده آل‌های رفتاری» ارائه شده است. به منظور پیاده کردن مدل و هم‌چنین برای حصول نتایج دقیق از «نمازخانه‌های فرودگاه» به عنوان نمونه موردی استفاده شد که پس از جمع‌آوری اطلاعات به روش پیمایشی، اطلاعات در نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. روش تحقیق در نوشتار حاضر، بر اساس روش کیفی و استدلال منطقی استوار است. ضمناً بررسی اسنادی و مطالعه کتابخانه‌ای، بنیان تحلیل، توصیف و تفسیر نتایج در این مقاله را شکل می‌دهد. نتایج حاصل از اعمال مدل بر برنامه‌دهی نمونه موردی نمازخانه ترمینال فرودگاه‌ها نشان داد که واقعیت‌های رفتاری (شامل میزان وقوع رفتارها و نیز نظر کاربران نسبت به آن‌ها) می‌تواند مبنایی واقعی را برای «چانه‌زنی» برنامه‌ای فراهم کند که به جز طراحی و کارفرما، فرهنگ کلی (در این جا، اسلامی) نیز در آن یک طرف قوی باشد و ماحصل آن به صورت الزامات طراحی برآمده از فرهنگ کلی و واقعیت‌های رفتاری، آرا به شود.

واژگان کلیدی: مدل، برنامه‌دهی، تنظیم رفتار، فرهنگ اسلامی، نمازخانه، فرودگاه.

در حوزه معماری، تلاش برای هماهنگ کردن کالبد با رفتار به صورت آگاهانه و حرفه‌ای موضوعی چندان با سابقه نیست. در آکادمی‌های رنسانسی، معمار به عنوان خلاق اشکال تربیت می‌شد و «شکل زندگی» - اگرچه در کار وی تأثیر اساسی داشت - اما چون تغییر آن، در دستور کار معمار نبود، تطابق با آن نیز به صورت ضمنی و پیش‌فرض صورت می‌گرفت. در برنامه آکادمی سلطنتی پاریس و سپس بوزار نیز برنامه‌ریزی برای تحقق الگوهای رفتاری خاص، جایی در مباحث نظری نداشت. انقلاب فرانسه و اقدامات متفکران عصر روشنگری و بویژه طبیعت‌گرایی روسو، محملی را برای ادعای طرح‌ریزی نظام انسانی جدید فراهم آورد که بر حوزه معماری نیز تأثیر نهاد. محمل نظری این تأثیر، در پلی تکنیک‌ها فراهم آمد (Mallgrave, 2005: 68-70). کار «دوران» از این بابت که معماری را به عنوان گونه‌های کالبدی دارای تناظر یک به یک با گونه‌های عملکردی به صورت مجموعه‌های رفتاری، معرفی می‌کند، می‌تواند گام اولیه در گرایش رفتاری در معماری تلقی شود. در نخستین چرخش‌های اصلی به سوی مدرنیسم معماری و در نیمه قرن نوزدهم، سمیر - که در حوزه آلمانی زبان مدرنیسم، شخصیتی اصلی به شمار می‌رفت در کتاب «دستیل^۱» خود، به بحث معماری‌های آغازین و سیر تکاملی معماری پرداخت؛ اما این بار وی به جای رجوع به فرم‌ها، به عوامل پدیدآورنده فرم و بالخصوص ذهن و فعالیت انسانی اشاره کرد. او به جای ارجاع فرم مورد نظر به کلبه اولیه فرضی یا غار و چادر (چنان که گوتمه دو کوئینسی مطرح کرد؛ گروت و وانگ، ۱۳۸۴)، یک کلبه بومی واقعی (کلبه بومی جزایر کاراییب) را در کتاب خود تحلیل و عناصر چهارگانه پدیدآورنده معماری (توده، آتشدان، حصار و سازه برپادارنده) خود را در آن مطرح کرد (Hvattum, 2006)؛ در مقابل این نظریه‌پردازی‌های دانشگاهی، که عمدتاً به الگوهای منفرد رفتار یا منظومه‌های رفتاری متعلق به گروه‌های کوچک اجتماعی، توجه دارد، اولین تلاش‌های آرمان‌گرایانه سوسیالیستی، ضمن ارائه نظام اجتماعی - رفتاری نوین، با عرضه نظام کالبدی متفاوت که متناسب با آن نظام جدید باشد، همراه است (پاکزاد، ۱۳۹۱؛ بنه‌ولو، ۱۳۸۴). این موضوع بن‌مایه آن چیزی بوده است که در گرایش مدرنیسم به عنوان پروژه اجتماعی معماری از سوی بزرگان سبک مدرن دنبال شده است (Heynen, 1999). در این نوشتار موضوع تنظیم رفتار به عنوان هدف معتبر برای برنامه‌دهی کالبدی مطرح است؛ به این معنا که در حرکت به سمت مطلوبیت محیط، امکانات طراحانه در جهت «تقویت» رفتارهای هدف و «تضعیف» رفتارهای معارض به کار گرفته شود. لذا به‌رغم قبول نقش «مکانی» و «احتمالی» محیط در تغییر یا هدایت رفتار، حرکت به سمت تنظیم رفتار، را می‌توان به عنوان هدف برنامه‌ای اتخاذ کرد. بر این مبنا، این مقاله نخست به بحث این موضوع در گرایش‌های معاصر پرداخته و سپس اعتبار چنین هدفی را از منظر نسبت معماری و فرهنگ مورد نظر قرار می‌دهد؛ سپس مدلی برای برنامه‌دهی برای لحاظ کردن دو موضوع واقعیت‌های رفتاری و ایده‌آل‌های رفتاری فرهنگ ارائه شده است و در بخش دوم، با تمرکز بر نمازخانه فرودگاه مهرآباد، به عنوان نمونه موردی، به صورت مصداقی مدل مزبور را معرفی و نتیجه‌گیری کرده است.

روش پژوهش

در این تحقیق از روش کمی و کیفی به صورت توأمان استفاده شده است. بخش اول، بر روش کیفی و استدلال منطقی استوار است و از منابع کتابخانه‌ای و روش مطالعه اسنادی بهره گرفته شده است. در بخش دوم برای سنجش وضع مطلوب، از روش پیمایش کمی استفاده شده و اطلاعات از طریق تدوین و تکمیل پرسشنامه توسط جمعیت نمونه گردآوری شده است.

مبانی نظری

تنظیم رفتار در گرایش‌های معاصر طراحی محیط

مواضع رفتارگرایان و طراحی مشارکتی در نیمه دوم قرن بیستم، به لحاظ عدم تصریح بر ایده‌آلیسم و داعیه پیروی از تمایلات رفتاری کاربران (گرایش مشارکتی) یا الگوهای رفتاری (عمدتاً ناخودآگاه) کاربران (در گرایش علوم رفتاری و روان‌شناسی محیط)، تلاطم انکار انسان اکولوژیکی مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو است که در آن واقعیت‌های رفتاری، بدون توجه به ایده‌آل‌ها، مبنای برنامه‌ریزی معماری است. مکتب شیکاگو، با سعی در حفظ نگاه ناتورالیستی و بی‌طرفانه به جامعه، از کل‌گرایی و ارائه الگو برای رفتار اجتماعی اعراض می‌کند و جزء‌گرایی از شاخصه‌های این مکتب، باقی می‌ماند (استیونسون، ۱۳۸۸: ۶۱-۶۳). در اینجا نیز، این نگاه خرد است که عدم ارزیابی از رفتار (هنجاریایی) را موجب می‌شود. لذا در مورد طراحی مشارکتی، هنری سناف (به عنوان نظریه‌پرداز اصلی در این حوزه) در موضوع‌ها و ترم‌های بالادستی فرهنگی قائل به هنجارهای مورد پذیرش جمع است، حتی اگر با هنجارهای کلی فرهنگ مخالف باشند؛ لذا وی نمونه آزادشهر کریستیان را به عنوان حامیان زندگی اشتراکی بدون خانواده (زندگی جمعی زنان و مردان زیر یک گنبد)، نمونه مشارکت مناسب در طراحی مسکونی می‌داند (فصل چهارم از Sanoff, 2000). در مقابل، موضوع‌های دیگر نظیر موارد قتی نظیر انرژی، صوت یا جزییات ساختمانی را در حیطه غیرقابل واگذاری به نظر مردمی قرار می‌دهد و در مورد قواعد سازمانی نیز (ibid, p.33) دیده می‌شود که برخلاف مشارکت در مسکن، در مورد سازمان، وی قائل به حاکمیت هنجارهای سازمانی و حرکت مشارکت‌جویان در چارچوب خواست‌ها و ساختار سازمان است و «فرهنگ» سازمان را به عنوان موضوعی بالادستی و فرامشارکتی مطرح می‌کند.

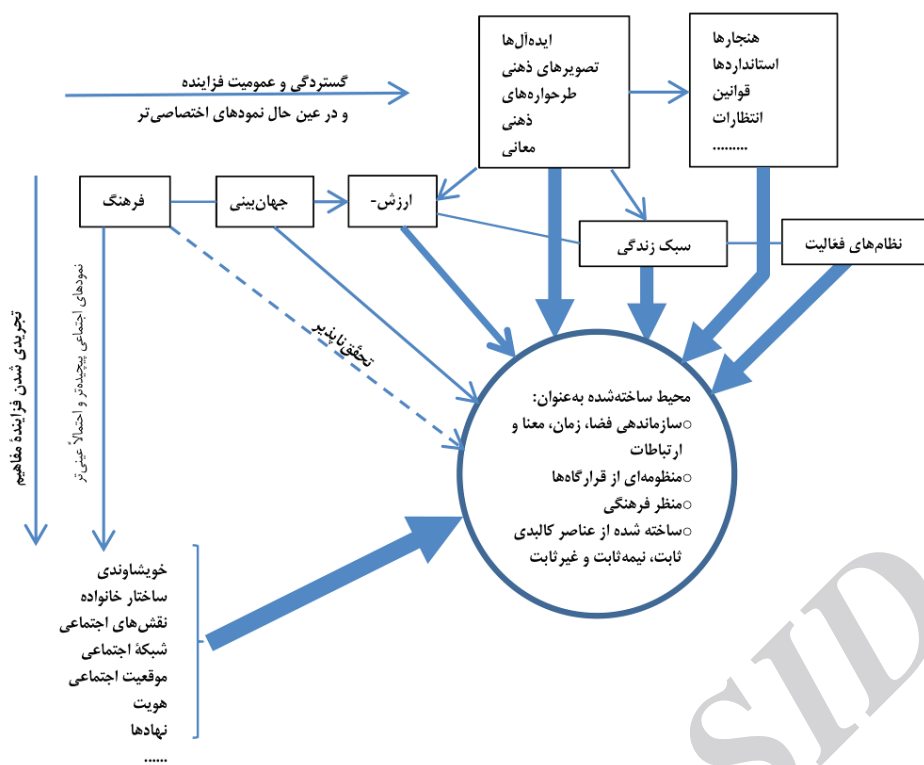
در گرایش رفتاری نیز به لحاظ نظری، روان‌شناسی محیط مدعی ایده‌آل‌ها نیست، بلکه به آن چیزی می‌پردازد که «هست»: «تعریف روان‌شناسی محیط، مطالعه روان‌شناختی رفتار در محیط کالبدی زندگی روزمره است» (لنگ، ۱۳۸۱: ۲۳) و اگرچه در این رشته به «آداب، رسوم، ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی و فرهنگی، توجه می‌شود» (مرتضوی، ۱۳۸۰ به نقل از پروشانسکی)، در طراحی محیط بر مبنای این رشته، برخی از این مسائل ممکن است، چندان جدی گرفته نشود. منظور آن دسته از مسائلی است که با ارزش‌های اساسی جامعه مدرن که طراحان و پژوهشگران به صورت حرفه‌ای، جزئی از آن هستند، تضاد داشته باشد؛ به عنوان نمونه می‌توان به موضوع رفتار در فضای شهری اشاره کرد. نظریه‌پردازی طراحی

در تعامل با محیط زیست و منابع، مسلماً در جوامع شکل یافته و دارای عمق فرهنگی، تمام این سه وجه دارای محتوای زیادی است و بسنده کردن صرف به نمادها برای حوزه فرهنگ‌های کلی و فراگیر، نمی‌تواند طراح کالبدی فرهنگی را به دنبال داشته باشد. او به عنوان کسی که بیش از چهل سال در حوزه رابطه معماری و فرهنگ تلاش کرده است، در شرحی بر کتاب اخیر خود (فرهنگ معماری و طراحی)، به لزوم وجود چارچوب فراگیر نظری، برای طرح مباحث فرهنگی در معماری، و جوه تمایز مطالعات رفتاری و فرهنگی و نحوه وارد کردن مسائل فرهنگی در حوزه معماری با کمک تفکیک فرهنگ به زیرمجموعه‌های قابل کنترل از لحاظ تحلیلی پرداخته است (Rapoport, 2008) که جمع‌بندی آن در نمودار شماره ۱، دیده می‌شود. وجود کلیتی به نام فرهنگ، انسجام درونی آن، وجود ثوابت فرهنگی و نیز ضرورت ارتباط معماری با فرهنگ، پیش فرض‌های نهفته در این مدل است؛ اما این مفروضات، نیاز به تحلیل دقیق‌تری دارد چراکه گذشته از آن که این موارد در تمام پدیده‌های مندرج در ذیل عنوان فرهنگ وجود ندارد، در میان معماران (حتی در میان قائلان به نقش علوم رفتاری در معماری)، برخی از این فرض‌ها چالش برانگیز است و به سهولت آن را نخواهند پذیرفت. این موضوع منحصر به مدرنیست‌ها و تقابل آن‌ها با سنت نیست؛ معماران پست مدرن یا حتی کسانی که تحت عنوان منطقه‌گرایی به فعالیت پرداخته‌اند، در کاربرد اصطلاح فرهنگ و معماری فرهنگ‌گرا، در بهترین حالت، به القائات معنایی و ادراکی (یا سمبولیک) فرهنگ‌های محلی توجه داشته‌اند و نه تمام وجوه آن (بویژه ارزش‌های رفتاری و اجتماعی). تبیین درست این موضوع در ماهیت اخلاقی فعل معمارانه نهفته است.

حتی اگر معماری در میان دوگانه هنر و تجارت تعریف شود (Mc Cormac, 2005)، موضع هنری طبعاً در حیطه اخلاقی قرار خواهد گرفت، یعنی نوعی ارزش‌گذاری غیرقابل سنجش کمتی برای آن قائل شده‌ایم که پذیرش آن مستلزم داشتن مکتب اخلاقی خاصی است (همه ملزم به پذیرش آن نیستند)؛ لذا در تعریف معماری میان دوگانه «نمایش - هنر» و «زندگی» تردیدی در اخلاقی بودن موضوع نیست، چرا که اخلاق تعیین‌کننده بسیاری از مسائل زندگی است. قرار دادن مسأله معماری در حیطه مسائل غامض نیز همین موضوع را پیش می‌کشد، زیرا به بیان ریتل و وبر^۴ (۱۹۷۴) این دست مسائل، «خوب» و «بد» می‌پذیرد و نه درست و غلط، و لذا مباحثی است از مقوله «ارزش». به‌علاوه این «اخلاقی» و «ارزشی» شدن مسائل طراحانه، آن‌ها را با مقوله حقوق نیز پیوند می‌دهد، چرا که «انگاره حق، در کانون اندیشه اخلاقی قرار دارد» (آپیا، ۱۳۸۸: ۲۶۸). به لحاظ فلسفی، این امر به معنای آن است که اقتضائات موضوع قابل اثبات تجربی نیست و پیشینی محسوب می‌شود (پیشین: ۲۲۷)؛ به بیان دیگر، منطبق از عهده حل این مسائل بر نمی‌آید (این امر مستقل این است که کدام مکتب اخلاقی را پذیرفته باشیم). نقش تجربه و منطق، در سازواری درونی این سیستم است و نه در اعتبار بیرونی آن یعنی ضرورتی ندارد که معتقدان به مکاتب دیگر پذیرنده نتایج اخلاقی و تبعات منطقی پذیرش اصول مزبور باشند؛ اما باید

شهری از نیمه دوم قرن بیستم به این سو، بر هنجار خاص رفتاری تکیه کرده و مباحث طولانی را حول آن سازمان داده است: حضور انبوه و مداوم در فضای شهری و هر هنجار دیگر که مانعی برای این امر باشد، خود ناهنجار تلقی شده است (مثلاً هنجارهای جوامع مذهبی یا اسلامی). چنین به نظر می‌رسد که هر گونه «حضور» در فضای شهری، به شرط آن که منجر به درگیری میان افراد حاضر نشود، مطلوب تلقی می‌شود و این تنها هنجار رفتاری حاکم بر محیط است (تانکیس، ۱۳۹۰: ۳۸). چنان که مثلاً یان گل در گونه‌شناسی سه‌گانه خود، و در گونه سوم (تعامل اجتماعی) آن را شامل تمام اشکال با هم بودن می‌شمرد و به طور تلویحی به «عدم تعرض» به عنوان مبنای اصلی هنجاری رفتار مورد نظر خود اشاره دارد (Gehl, 2007). هدف ایده‌آل لیزا پیتی برای «سرخوشی شهری آ» (درج در Banerjee, 2007) و مجموع رفتارهایی که وی انتظار دارد در منظر عمومی شهری محقق شود (مراودات نزدیک هم‌چون پارتی شهری)، نیز تنها با چنین «اخلاقیات بی‌تفاوتی» یا اولویت دادن به هنجارهای تحمیلی صحنه نمایش شهری است که ممکن است به تحقق نزدیک گردد. حتی محققان نیز همواره با پس‌زمینه‌ای از اعتقادات فرهنگی (عمدتاً مدرنیستی) به مباحث رفتاری در طراحی محیط توجه کرده‌اند؛ مثلاً نگاه کنید به بحث پاکزاد و بزرگ (۱۳۹۱ - فصل نهم و بویژه ص ۳۳۸) که در آن از به رسمیت شناختن باورهای اجتماعی در مورد نقش‌های جنسیتی، به عنوان ایده آل فرهنگی در متن علمی خودداری می‌شود. با این حال در شاخه‌ای از نظریه پردازی اجتماعی - فضایی که دنباله اکولوژی انسانی در مکتب شیکاگو است (برگس، پارک و ... نگاه کنید به صالحی، ۱۳۸۷)، یعنی نظریه‌های فضای شهری امن، نوعی تأکید بر هنجارها و ارائه فهرست‌هایی از رفتارهای «خوب» و «بد»، دیده می‌شود و به همین دلیل نیز از ابتدا با چالش‌های نظری از سوی نظریه‌پردازان خود این حوزه یا خارج آن مواجه شده است. کار شاخص نیومن، اگرچه کاملاً با قواعد تجربی، ضرورت کنترل‌های محسوس یا نامحسوس دسترسی‌ها و محدود کردن آن‌ها را اثبات کرده است، اما به دلیل مغایرت نتیجه حاصل با ایده‌آل‌های آزادی دسترسی - حتی در تفکر لیبرال - با مخالفت کسانی چون هیلیر مواجه شده است. آن‌ها کوشیده‌اند که با شواهد تجربی، آلترناتیوهای دیگری برای امنیت محیطی در مقابل کار نیومن معرفی کنند (پیشین، فصل پنجم). در هر حال، توسل به استعاره بوم‌شناختی در این نظریه‌های روشنی برای گریز از «تله» ایدئولوژیک و اتهام‌های بنیادگرایانه است و این مشابه توجیهی است که در مورد نظریه‌های نمایش شهری برای توجیه «باید» ها و «نباید» های رفتاری وجود دارد؛ نوعی عقلانیت مورد ستایش ماکس وبر که اخلاقیات را در شکل نسبی‌گرا و منفعت‌طلبانه پروتستانسیم می‌پذیرد (عضدانلو، ۱۳۸۸: ۲).

واقع‌گرایی یا ایده‌آلیسم در رویکرد فرهنگی به تنظیم رفتار
 راپاپورت در نوشتاری متقدم (Rapoport, 1980) کل تعاریف ارائه شده از فرهنگ را در سه حوزه قرار می‌دهد که به بیان وی مکمل یکدیگرند: شیوه زندگی هر گروه خاص، سیستمی از نمادها، معانی و طرح‌واره‌های ذهنی است که از طریق کدهای نمادین منتقل می‌گردند و بالاخره، مجموعه‌ای از راهبردهای تطبیقی برای بقا



نمودار ۱: اجزای فرهنگ و نسبت آن با طراحی؛ مأخذ: Rapoport, 2008

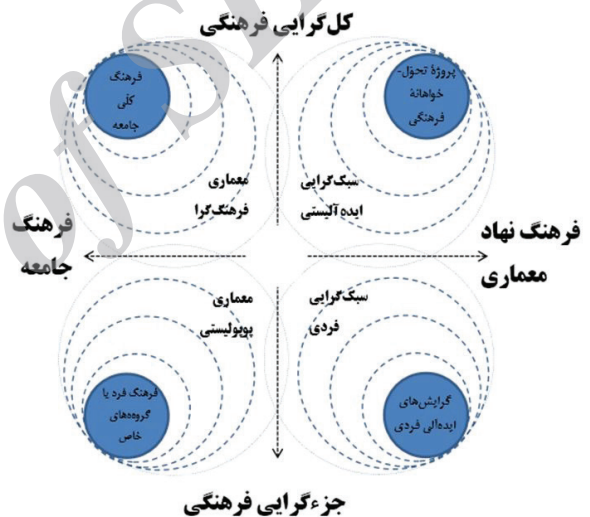
و الزامی هم برای چنان اعتباری ایجاد نمی‌کند. سبک‌گرایی فردی در هنر و معماری به واسطه همین امر از سوی ایده‌آلیست‌های اجتماعی هنر مورد نقد بوده است (نگاه کنید به Ward, 1996)؛ در مقابل این ایده‌آلیست‌ها، کسانی در تاریخ هنر و معماری بوده‌اند که برای آن رسالت اجتماعی قائل شده‌اند، همان پروژه اجتماعی که در بالا به آن اشاره شد و در دوران نزدیک به امروز نیز سعی در بازتعریف آن شده است (Dutton & Hurst Mann, 1996)؛ اما این رسالت برای آن‌ها از کل فرهنگی موجود و تثبیت شده برنیامده است و منشأیی خارج از زمینه اجتماعی و فرهنگی کلی داشته است.

در طرف مقابل نیز همین دوگانگی - این بار میان فرهنگ فرد یا گروه‌های خاص در مقابل فرهنگ کلی حاکم بر جامعه یا متصور برای آن - وجود دارد. در حالی که طراحی مشارکتی با داعیه دموکراتیک (Towers, 1995)، بر خواست جمع تأکید دارد، به دلیل آن که مخاطب آن، در هر مورد، تنها کاربرانی هستند که در همان مورد ذی‌مدخل خواهند بود، در نهایت، قائل به کنار گذاشتن فرهنگ کلی به سود فرهنگ‌های جزئی و خاص است. اگر به مدل راپاپورت از نقش فرهنگ در شکل‌دهی به محیط ساخته شده (نمودار شماره ۱) رجوع کنیم: فرهنگ‌های این چنین جزء - یعنی فرهنگ گروه‌های فاقد زمینه تاریخی (گروه‌های پیوند یافته در تطورات جامعه معاصر) - فاقد بسیاری از عناصر ذکر شده در آن است (از روابط خویشاوندی تا قوانین یا حتی نظام معنایی تفصیلی). در این صورت اتفاقی که در جریان طراحی دموکراتیک می‌افتد آن است که این گروه‌ها در عرصه‌های حدآلتی موجود در متن خود، خواهان حدآکثر تأثیر هستند و چندان از این مدل پیروی نخواهند

پذیرندگان و پیروان اصول آن را اقناع کند. انتخاب یا ساخت این مکتب، امری فرهنگی است. پذیرش فرهنگ به عنوان امر مافوق خواست‌های متغیر شخص، خود انتخابی نظیر مکتب اخلاقی است؛ مثلاً هنرگرایان در باب معماری، آن را به‌سادگی نخواهند پذیرفت، زیرا ممکن است، مصادیق شخصی‌گرایانه کار آن‌ها را از لحاظ ارزشی تا حد صفر تقلیل دهد. بالتین با پیش کشیدن موضوع تعاملات «بین فرهنگی» سعی کرده است تا مفهوم سکونت (به معنی زیستگاه آشنا و مطابق عادات) را دست‌کم برای روزگار کنونی به چالش بکشد و لذا تعبیر نهایی وی از معماری به عنوان امری که در بین فرهنگ و فرم اتفاق می‌افتد، منوط به متغیر بودن فرهنگ «همانند یک ابر» دانسته می‌شود (Ballantyne, 2002). این دفاعی از ضرورت معماری هنری در مقابل معماری پاسخگو به خواست‌های ثابت و موضوع عام «سکونت» است. با این حال بالتین خود معترف است که خواست و تلقی جامعه از وظایف معماران، همان شق اصالت‌دهنده به کلیت فرهنگ یا آن چیزی است که وی معماری عادی یا پیش‌پافتاده‌اش می‌داند (تعبیر لانه در مقابل ستون آتش).

هم در گرایش هنری و هم در گرایش معماری برای زندگی، می‌توان دو شاخه فرعی تر را متصور بود که در باب ماهیت ارزش‌ها، تعیین کننده‌اند: جزء‌گرایی و کل‌گرایی. مقصود از جزء‌گرایی تلقی فرهنگ به عنوان امر مخلوق «موقعیت‌های اتفاقی، عادات رفتاری و قوانین» (Ballantyne, 2002 به نقل از پی‌یرس) است؛ در این حالت، فرهنگ مافوق، چندان تفاوتی با خواست‌های فردی ایده‌آلی (طراحی یا استفاده‌کننده) ندارد و اگرچه معیار قضاوت ارزشی برای آن افراد محسوب می‌شود، اما فاقد اعتبار عمومی است

کرد (نمونه مشهور خوابگاه‌های دانشجویی لوسین کرول). حتی طراحی مبتنی بر «اجماع» کریستوفر دی نیز نمی‌تواند این معضل نظری در باب فرهنگ کلی را حل کند. این بحث از منظر فلسفی، ناظر است به موضوعی که در فلسفه اخلاق غربی درباره اخلاقی یا غیراخلاقی بودن کنترل اجباری یا ناخودآگاه رفتار (به کمک طراحی محیط یا به کمک ابزار تکنولوژیک) مطرح و بحث شده است (Brey, 2006)؛ یعنی این سؤال که با چه توجیهی می‌توان هدف تنظیم رفتار را برخلاف خواست فرد و براساس یک امر کلی تر (در اینجا فرهنگ مافوق) برنامه‌ریزی کرد؟ پاسخ این سؤال به دلیل ماهیت ارزشی و حقوقی آن، تنها در دستگاهی فرهنگی قابل بیان است و نه به صورت عام و فراگیر (بین فرهنگی). تنها با در نظر گرفتن دو محور «نهاد اجتماعی مؤثر» (نهاد معماری در مقابل جامعه) و «نگرش کلی فرهنگی» (از لحاظ جزءگرایی یا کل‌گرایی در نگرش فرهنگی)، می‌توان چهار گرایش معماری کاملاً متمایز داشت (نمودار شماره ۲). در ادامه به تبیین موضوع از دید فرهنگ اسلامی می‌پردازیم.



نمودار شماره ۲: تقسیم سطوح فرهنگی

مدلی برای برنامه‌ریزی رفتاری در طراحی محیط در حوزه اسلام در دیدگاه توحیدی (به‌طور کلی) صانعیت خدا به عنوان علت غایی همه چیز، مسلم است و لذا در اطلاق انشاء ارزش بودن ارزش‌ها به خدا، علی‌القاعده نباید اختلافی باشد: «بِیَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران، آیه ۲۶). این موضوع، منحصر به کلیات نیست؛ بلکه جزئیات رفتاری را نیز شامل می‌شود: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ...» (انبیاء، آیه ۷۳). این آیه تصریح دارد که فعل خیر (سواى مسأله تشخیص «خیر») با تعیین از طریق وحی و نه تأسیس بشری، موضوعیت دارد. بنابراین در این دیدگاه دین، متولی تعیین رفتار ایده‌آل «فِعْلَ الْخَيْرَاتِ» به‌صورت موضوعی و کیفی است. چنان‌که رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «إِنَّمَا الْخَيْرُ مَا أُرِيدَ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ تَعَالَىٰ، وَعَمِلَ عَلَىٰ مَا أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَىٰ [به]» (التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري ع؛ ص ۲۸۵ - خیر، منحصر آن چیزی است که

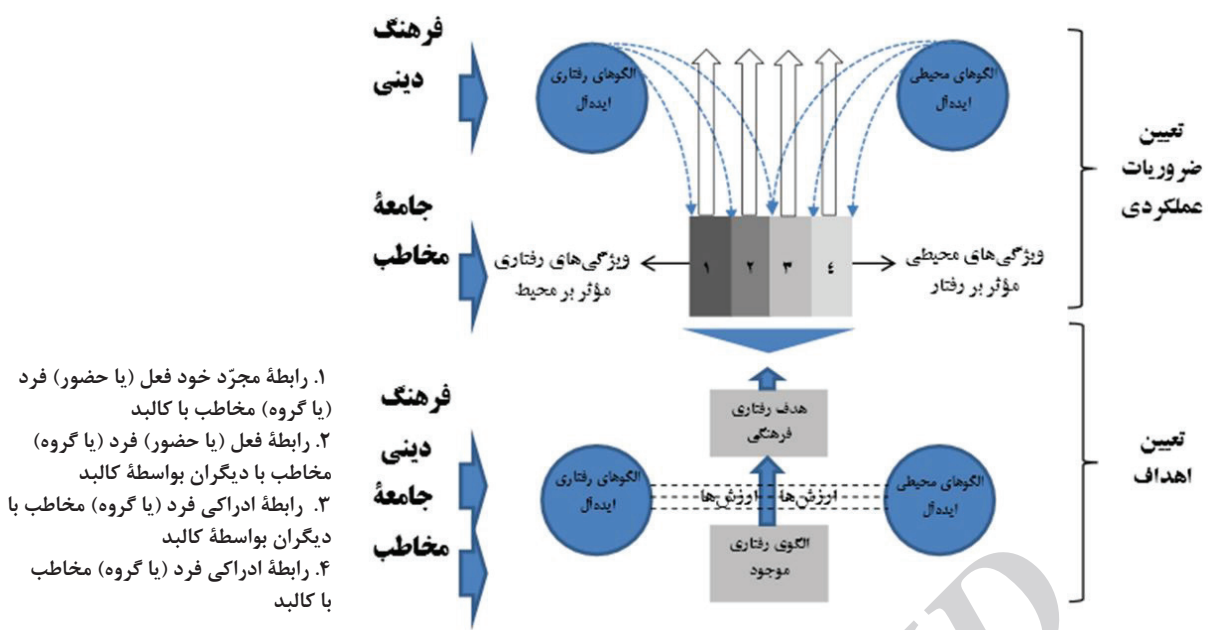
با آن طلب وجه الله شود و مبتنی بر آن چیزی باشد که خدای تعالی به آن امر فرموده است).

به این صورت رویکرد به موضوع طراحی مبتنی بر فرهنگ و بویژه در زمینه تنظیم رفتار در حوزه اسلام، تفاوت اساسی با رویکرد محققان رفتارشناسی محیطی در قبال فرهنگ‌ها دارد (ناری قمی، ۱۳۹۲). به این معنا که بر خلاف آن‌ها، عوامل ثابت فرهنگی از مطالعه تجربی و تاریخی محیط فرهنگی (Rapoport, 1983) حاصل نمی‌شود و این امر در وضع حاضر مستقل از پدیده‌های بیرونی وجود دارد و در قرآن و سنت، تبیین شده است. اما از برخی روش‌های آن ممکن است بتوان استفاده نمود. راپاپورت (۱۹۸۳) در بحث تطبیق معماری با فرهنگ و آن‌چه «محیط حمایت‌کننده» از فرهنگ خوانده می‌شود، راهبردی را برای شمول جنبه‌های مختلف مؤثر در این موضوع تشریح می‌کند که در آن بر تفکیک موضوع‌ها از دو قطب، یکی فرهنگ و دیگری ویژگی‌های محیط، تأکید می‌شود و مدعی است که تنها پس از این تفکیک و برقراری ارتباط میان عناصر این دو است که می‌توان به محیط مزبور رسید؛ موضوع دیگری که وی مورد توجه قرار می‌دهد و روشی عملی برای آن طرح می‌کند، توجه به خواسته‌های اصلی فرهنگی، خواسته‌های حاشیه‌ای فرهنگی و خواسته‌های اصلی مدرن است که شناسایی انتظارات دسته‌های مختلف از فضا در عرض این موضوع و نه در طول آن، به عنوان سازوکارهایی که طراحی فرهنگی را ممکن سازد، معتبر خواهد بود.

در این جا و در چارچوب بحث مورد نظر در حوزه فرهنگ اسلامی، می‌توان مدل زیر (نمودار شماره ۳) را برای «برنامه‌دهی» در حوزه رفتاری برای معماری پیشنهاد کرد؛ تقسیم‌بندی دوگانه این نمودار، برداشتی از چهار مرحله اول برنامه‌دهی در الگوی دورک (دورک، ۱۳۸۹: ۱۵) با این تفاوت که واقعیت‌های رفتاری منجر به موضوع نمی‌شود، بلکه خود، موضوع‌ها اهداف فرهنگی رفتار را با گذر از فیلتر ارزش‌ها می‌سازند. به‌علاوه آن‌چه در نمودار دورک، به عنوان «ارزش» در تعیین اهداف به کار رفته، در این جا در تعیین ضرورت‌های عملکردی، نیز مهم و مؤثر است (نحوه این تأثیر در نمونه موردی بهتر نشان داده خواهد شد). تفکیک مقولات فرهنگی دینی به دو حوزه الگوهای محیطی ایده‌آل و الگوهای رفتاری ایده‌آل، ضمن آن که با توصیه راپاپورت در مورد مواجهه تفکیکی با وجوه فرهنگ، هم‌خوان است، در حوزه تعلیمات اسلامی نیز دارای محتوایی است که این تفکیک را قانع‌کننده می‌سازد (ناری قمی، ۱۳۹۲ - در بررسی نمونه موردی این امر نیز وضوح بیش‌تری خواهد داشت).

نمونه موردی: تنظیم رفتار در طراحی نمازخانه پایانه‌های مسافری

وجود وجوه دینی در کنار وجوه عام و نیز حداقلی بودن تعداد رفتارهای مورد انتظار در نمازخانه ترمینال‌ها، آن را به عنوان یک مطالعه موردی مناسب با عوامل دخیل کم تعداد و قابل کنترل،



۱. رابطه مجرد خود فعل (یا حضور) فرد (یا گروه) مخاطب با کالبد
۲. رابطه فعل (یا حضور) فرد (یا گروه) مخاطب با دیگران بواسطه کالبد
۳. رابطه ادراکی فرد (یا گروه) مخاطب با دیگران بواسطه کالبد
۴. رابطه ادراکی فرد (یا گروه) مخاطب با کالبد

نمودار شماره ۳: مدل نهایی برای برنامه دهی رفتاری در حوزه فرهنگ اسلامی

مشغول استراحت هستند. شاید به همین دلیل است که فعالیت نمازخانه در شبانه روز محدود شده است تا این نمازخانه‌ها تبدیل به استراحت‌گاه نشود.

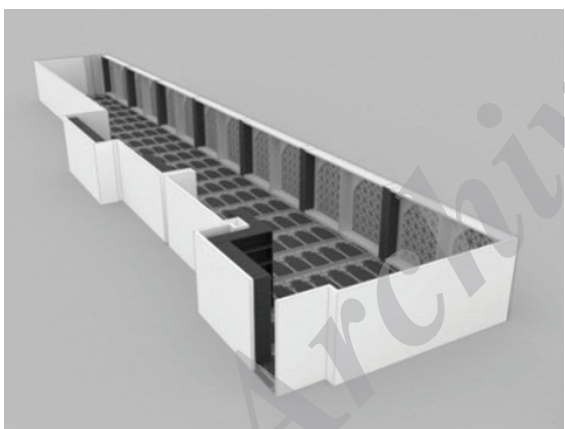
ب) نمازخانه ترمینال ۴ - فرودگاه مهرآباد

پس از این که وارد فضای داخلی نمازخانه می‌شویم اولین امری که

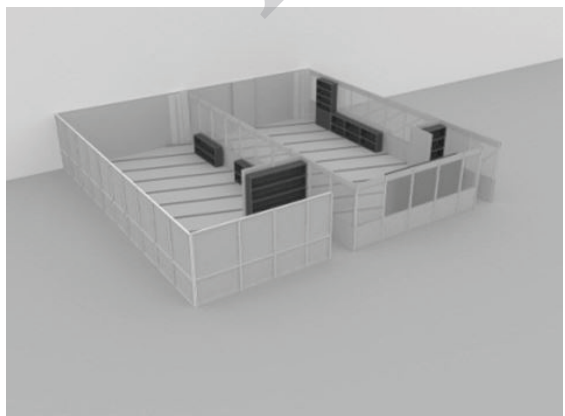
مطرح می‌کند. با توجه به مدل ارائه شده، برای برنامه‌دهی یک نمازخانه، ناچار باید واقعیت‌های رفتاری در نمونه‌های موجود بررسی شود (سطح پایه نمودار شماره ۳). به این منظور با توجه به تفاوت‌های فاحشی که بین مخاطبان نمازخانه در ترمینال‌های اتوبوس با هوایی وجود دارد، برنامه‌ریزی رفتار و نیز مطالعه موردی واقعیت‌های - هردو- بر پایه پایانه مسافری هوایی قرار داده شد. در این باره دو نمازخانه در فرودگاه مهرآباد، به عنوان بستر مطالعه واقعیت‌های رفتاری انتخاب شد.

الف) نمازخانه ترمینال ۲ - فرودگاه مهرآباد

این نمازخانه که قبل از سالن ترانزیت ترمینال ۲ وجود دارد، پس از وارد شدن به سالن اصلی و اندک تأملی مشاهده می‌شود. این فضا، با جداره‌هایی آلومینیومی به ارتفاع ۲/۵ متر از بقیه سالن جدا شده است؛ فضایی بسیار ساده که از یک لحاظ نقطه قوت آن است (تصویر شماره ۱). تناسب فضا منطقی است و به شکل مربع نزدیک‌تر است. ظرفیت نمازخانه در حدود ۶۰ نفر است که با توجه به تراکم مسافر در این ترمینال مناسب به نظر می‌رسد. از لحاظ تهویه، وضعیت مناسب است؛ چرا که ارتفاع سقف زیاد است و مثل بقیه سالن عمل می‌کند. نور طبیعی وجود ندارد؛ چرا که این فضا با جداره‌های سالن اصلی اندک فاصله‌ای دارد. روشنایی مصنوعی به وسیله چند لامپ که ترکیبی از نور سفید و زرد را ایجاد می‌کند، تأمین می‌شود. در کل روشنایی کافی به نظر می‌رسد. نمازخانه، پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب و همچنین بعد از اذان ظهر تا نیمه شب شرعی به روی نمازگزاران باز است. البته فعالیت‌های جمعی از جمله نماز جماعت نیز در این فضا تعریف شده است. شایان توجه است اکثر نمازگزاران در کناره‌های فضا مستقر می‌شوند و جزء فضاهایی را شکل می‌دهند که البته پس از نماز وجه خوبی پیدا نمی‌کند؛ چرا که به صورت نشسته به دیوار کنار خود تکیه می‌دهند و حتی عده‌ای در گوشه و کنار نمازخانه دراز کشیده و



تصویر شماره ۱: نمازخانه ترمینال ۲ فرودگاه مهرآباد؛ ماخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۲: نمازخانه ترمینال ۴ فرودگاه مهرآباد؛ ماخذ: نگارندگان

نسبت به آن آگاه شده، مسأله تناسبات فضا است که بسیار کشیده و آزار دهنده است (مستطیلی کشیده که نسبت طول به عرض آن در حدود ۶ به ۱ است) (تصویر شماره ۲). کف نمازخانه از فرش محراب‌دار پوشیده شده است و ظرفیت آن در حدود صد نفر است. جداره‌های داخلی هر کدام به نوعی خود را جلوه‌گر می‌سازند که این نیز در امر ادراک روانی محیط مشکلاتی را به وجود می‌آورد. جداره‌های شرقی از پارتیشن چوبی بوده که با گچ سفید اندود شده است. این جداره در واقع حائل بین نمازخانه و رستوران است. جداره غربی طوری ساخته شده است که در وهله اول به ذهن طوری متبادر می‌شود که گویا طرحی خاص برای آن در نظر گرفته‌اند ولی طول زیاد این جداره سبب شده که کارایی خود را به عنوان طرحی خاص از دست دهد و شلوغی زیادی را در فضا حکم‌فرما سازد.

در بدو ورودی، جامه‌ری تعبیه شده است، البته وجود تنها یک جامه‌ری در فضایی با این تناسبات درست و منطقی به نظر نمی‌رسد؛ در واقع شایسته بود که در این فضا، چند امکان برای دسترسی به مهر برای مسافران و نمازگزاران وجود داشته باشد که در طراحی باید در نظر گرفته شود. ارتفاع سقف نیز در این نمازخانه کم و در حدود ۲/۱۰ متر است که از لحاظ ذهنی نیز کمی فضا را بسته جلوه می‌دهد، البته به نظر می‌رسد ارتفاع زیاد شایسته فضای مذهبی باشد تا ارتفاع کم. به هر حال در نظر گرفتن چنین نمازخانه‌ای برای سالن، حاکی از عدم دقت مسئولان و دست‌اندرکاران ترمینال ۴ و فرودگاه است. این کشیدگی فضایی خود را در حالات روانی و رفتاری نمازگزاران نشان می‌دهد. به دلیل حاکم بودن این تناسبات فضایی، عده‌ای از نمازگزاران بعد از آن که نماز خود را برپا داشتند در امتداد این جداره غربی، دراز کشیده و مشغول استراحت و خوابیدن می‌شوند که اصلاً جلوه شایسته و درخوری را از نمازخانه، به خصوص در سالن فرودگاه که یکی از مهم‌ترین و رسمی‌ترین فضاهای دنیای طراحی است، به نمایش نمی‌گذارد. روشنایی فضای داخلی در طول روز، از جداره‌های غربی که با شیشه‌های مات پوشیده شده است و در مواقعی که نور طبیعی نیست، به وسیله مهتابی‌های سقفی با ترکیبی از نور زرد و سفید تأمین می‌شود.

نحوه رسیدن به تصمیم طراحی مرحله ۱. جمع‌آوری اطلاعات ضروری

بر اساس نمودار شماره ۳، مجموعاً در سه حوزه پایه‌ای نیازمند اطلاعات هستیم تا بتوان به مرحله بعدی تعیین اهداف یعنی گذار واقعیت‌ها از فیلتر ارزش‌ها رسید و بر مبنای آن اهداف رفتاری اصلی را معین کرد.

۱. واقعیت‌های رفتار انسان‌ها در وضع موجود: با مشاهدات اولیه رفتارها در این نمازخانه‌ها و چند مورد نمازخانه دیگر در ترمینال‌های زمینی، فهرستی اولیه از واقعیت‌های رفتاری تعیین شد. هم‌چنین کیفیت‌های محیطی مؤثر بر رفتار نیز به صورت اولیه در این مشاهده‌ها برداشت گردید.

۲. الگوهای رفتاری ایده‌آل با رجوع به منابع اخلاق اسلامی: تشخیص حوزه‌های مرتبط در این زمینه، مستلزم آشنایی با منابع اسلامی است که در این مورد در سه حوزه آداب مسجد، آداب مسافرت و آداب کلی رفتار در اجتماع (کوچه و خیابان و فضاهای عمومی)، قابل شناسایی است.

۳. الگوهای محیطی ایده‌آل با رجوع به منابع اسلامی: در حوزه کیفیت‌های روانی و روحانی فضای مسجد و فضای بیت (در وجه حداقلی یعنی ماندن موقت در جایی)، و برقراری نسبت میان آن‌ها با موضوع مورد بحث (در این‌جا نمازخانه)، قابل انتخاب و شناسایی است (برای توجیه این رویکرد، رجوع شود به ناری قمی، ۱۳۸۹).

مرحله ۲. طبقه‌بندی واقعیت‌ها، قبل از ورود به فیلتر ارزش‌ها

بر اساس بررسی‌های فوق، نخست لازم بود تا رفتارهای «مهم» برای برنامه‌ریزی شناسایی شود. برای این کار از دسته‌بندی چهار بخشی استفاده گردید:

الف - فعالیت‌های درجه ۱: فعالیت‌های «نامطلوب» که «زیاد» اتفاق می‌افتند.

ب - فعالیت‌های درجه ۲: فعالیت‌های «مطلوب» که «کم» اتفاق می‌افتند.

ج - فعالیت‌های درجه ۳: فعالیت‌های «مطلوب» که «زیاد» اتفاق می‌افتند.

د - فعالیت‌های درجه ۴: فعالیت‌های «نامطلوب» که «کم» اتفاق می‌افتند.

رسیدن به جمع‌بندی برای قرار دادن رفتار در هر یک از این دسته‌ها مستلزم بررسی میدانی نگرش افراد مراجعه‌کننده نسبت به آن‌ها است. بر این اساس، فهرستی از رفتارهای مطلوب و نامطلوب، به صورت اولیه آماده و در قالب پرسشنامه دو بخشی تنظیم شد: یک بخش میزان مطلوبیت و میزان وقوع رفتار را از دید کاربران بررسی می‌کند و بخش دیگر، نگرش آنان را به برخی کیفیت‌های اصلی تشخیص داده‌شده در این نوع فضاها (کیفیت‌های مطلوب و نامطلوب) که بر رفتارها مؤثر است، مورد توجه قرار می‌دهد.

با توجه به پیمایشی بودن مطالعه در بخش دوم، نیاز است تا به برخی از وجوه کمی پاسخ داد. پایایی پرسشنامه با محاسبه آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شد که در این مورد، نتیجه رضی‌کننده ($Cronbach's\ Alpha=0.763$) است. این پرسشنامه در اختیار ۲۸ نفر از مراجعان نمازخانه‌های ترمینال ۲ و ۴ قرار داده شد که نتایج تحلیلی آن - از جنبه‌های مورد نظر برای هر دو ترمینال به تفکیک فعالیت‌های مطلوب و نامطلوب در جداول شماره ۱ و ۲ آمده است. در این جداول معیار اصلی محاسبه وزن هر یک از عامل‌ها، تفاضل میانگین است که با آماره T.TEST فرضیه مورد نظر آزمون شده است.

جدول شماره ۱: برآیند اطلاعات اولیه جمع آوری شده درباره رفتارهای مطلوب و نامطلوب در فضای نمازخانه‌های مسافری

منبع بررسی	موارد مطلوب	موارد نامطلوب
مشاهده و ثبت رفتار در فضاهای مشابه (نمازخانه ترمینال‌های گوناگون)	<ul style="list-style-type: none"> - خواندن نماز (عمومی، گروهی، فردی) - خواندن قرآن، ادعیه و ذکر مستحبات عبادی - حضور فرد بدرقه‌کننده به همراه مسافر در نمازخانه 	<ul style="list-style-type: none"> - آوردن کفش به داخل فضای عبادی و عدم رعایت مسائل بهداشتی مربوط به آن - صحبت کردن با موبایل - صحبت کردن بلند چند نفر با هم - کارکردن با کامپیوتر شخصی - خوابیدن در فضا (وسط - کناره‌ها) - سرقت وسایل
مشاهده و ثبت رفتار در فضاهای مرتبط (مساجد و نیز فضاهای عمومی)	***	***
آداب مسافرت	<p>توصیه اسلام به سفرهای دسته‌جمعی (گروه‌های ۳ یا ۴ نفره) (براساس باب سفر در «مکارم الاخلاق»، ج ۱، باب ۹)، توصیه به ادعیه خاص سفر (براساس باب سفر در «مکارم الاخلاق»، ج ۱، باب ۹)، بدرقه مسافر (براساس باب سفر در «مکارم الاخلاق»)</p>	<p>عدم توصیه اسلام به شرکت مسافران در نماز جماعت عادی (براساس من لا یحضره الفقیه، ج ۱، باب تیمم: ۱۳۶)</p>
آداب مسجد	<p>برقراری حکم مالکیت موقت بر فضا با گذاردن نشانه‌ها یا وسایل (من لا یحضره الفقیه، ج ۴: ۲۶۹ و ۲۷۰، حدیث ۳۷۵۲). توصیه به ماندن طولانی در مسجد (من لا یحضره الفقیه، ج ۴، باب بازار و محل کسب و کار: ۲۶۹ و ۲۷۰ حدیث ۳۷۵۱)</p>	<p>نهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ورود اطفال بی تمیز و دیوانگان به مسجد، بلند کردن صدا، خرید و فروش، جستجوی گمشده، سرودن و خواندن شعر و نشستن برای دوزنگی (من لا یحضره الفقیه: ج ۱: ۳۵۷-۸؛ حدیث (۳) ۷۱۵)، نهی از نماز خواندن بر سرراه (من لا یحضره الفقیه، ج ۱: ۳۶۵، حدیث (۱) ۷۲۸)، عدم نهی از خوابیدن در مسجد (ترجمه گزیده کافی: ج ۲: ۲۷۹)</p>
آداب کلی رفتار در اجتماع	مجموع آداب دینی در این حوزه*	<p>نهی از تداخل زن و مرد در مکان عمومی و در مسیرها* نهی از بستن راه‌ها و نشستن بر سر راه* نهی از خوردن در مجامع عمومی*</p>
کیفیت‌های روانی فضای مسجد تا جایی که به این موضوع مرتبط است	<p>تعیین مرزها و آن‌جا که ناخودآگاه مکان مقدس باید به خودآگاه تبدیل شود* کمترین مانع میان انسان ذاکر و آسمان و جهان در حال ذکر (کالبد حدائقی)* امکان تشخیص حد افراد نمازگزار در تابستان و زمستان (نیم ذراع و یک ذراع)*</p>	<p>محراب‌های تورفته در دیوار، به مثابه مذابح یهود بوده و نهی مسلمانان از ساخت این گونه عناصر در فضای عبادی (من لا یحضره الفقیه: ج ۱: ۳۵۴، حدیث ۷۰۷) نفی سمبل‌های فرهنگ‌های غیراسلامی (من لا یحضره الفقیه: ج ۱: ۳۵۴، حدیث ۷۰۸) نفی عوامل بصری غفلت‌زا (من لا یحضره الفقیه: ج ۱: ۳۵۴، حدیث ۷۰۵)</p>
کیفیت‌های روانی فضای بیت تا جایی که به این موضوع مرتبط است	<p>امکان تعریف شدگی ورود و انس با اهل این مکان و سلام بر آنان (شنیداری و توجه از دو طرف سلام‌دهنده و جواب‌دهنده)* امکان حفظ حریم‌های موقت با توجه به جواز برخی امور نظیر بیتوته یا خواب، متناسب با آن افعال*</p>	<p>نهی از بلندی سقف در مکان بیتوته* افزایش حرمت و تقدس از بیرون به سمت درون*</p>

* این موارد براساس روایات مستقیم در مقالات ذیل بحث شده است: ناری قمی، ۱۳۸۹، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲.
***در این نمونه، از این بررسی‌ها صرف نظر شده است.

جدول شماره ۲: نتایج آماری نظرسنجی از کاربران نمازخانه‌های مسافری فرودگاه مهرآباد دربارهٔ موارد مطلوب

موضوع	آماره‌ها	نماز جماعت عمومی	نماز جماعت گروهی	نماز فردی	خواندن قرآن و دعاهای سفر	بدرقه مسافر
ایده‌آل‌های رفتاری	تعداد	۲۸	۲۷	۲۵	۲۵	۲۷
	درصد	۴,۵۰	۳,۶۳	۳,۰۶	۴,۳۶	۳,۴۸
واقعیت‌های رفتاری	تعداد	۲۴	۲۵	۲۶	۲۴	۲۳
	درصد	۳,۳۸	۲,۹۲	۳,۹۶	۲,۸۸	۲,۶۵
تفاضل میانگین		۱,۰۴	۰,۷۵	۱,۰۵-	۱,۴۷	۰,۸۷
آمارهٔ t		۴,۷	۳	۴,۰۲-	۸,۳	۳,۱
سطح معناداری		۰,۰۰۰	۰,۰۰۶	۰,۰۰۱	۰,۰۰۰	۰,۰۰۵

جدول شماره ۳: نتایج آماری نظرسنجی از کاربران نمازخانه‌های مسافری فرودگاه مهرآباد دربارهٔ موارد نامطلوب

موضوع	آماره‌ها	آوردن کفش به داخل	صحبت کردن با موبایل	صحبت کردن چند نفر با هم	کار کردن با کامپیوتر شخصی	خوابیدن در وسط	خوابیدن در کناره‌ها	سرقت وسایل
ایده‌آل‌های رفتاری	تعداد	۲۷	۲۷	۲۶	۲۴	۲۸	۲۸	۲۷
	درصد	۲,۵۹	۲,۰۷	۱,۶۲	۲,۵۸	۱,۸۹	۲,۶۴	۱,۲۲
واقعیت‌های رفتاری	تعداد	۲۵	۲۵	۲۶	۲۴	۲۶	۲۶	۲۴
	درصد	۳,۰۸	۳,۲۸	۲,۶۲	۲,۳۸	۲,۸۵	۳,۶۹	۲,۱۷
تفاضل میانگین		۰,۴۸-	۱,۲۱-	۰,۹۸-	۰,۱۸	۰,۹۳-	۱,۰۷-	۰,۸۷-
آمارهٔ t		-۱,۳۱	-۳,۹۳	-۳,۷۱	۰,۵۲۶	-۲,۵۷	-۳,۰۳	-۳,۹۴
سطح معناداری		۰,۲۰۲	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۶۰۵	۰,۰۱۷	۰,۰۰۶	۰,۰۰۱

مرحله ۳. عبور واقعیت‌ها از فیلتر ارزش‌ها و تعیین اهداف رفتاری برای برنامه‌دهی

این مرحله، لزوماً تصمیمی آماری نیست، بلکه از تحلیل کیفی اطلاعات قبلی و (در موضوع‌های واقعی) ضمن مشاوره با افراد ذی‌مدخل، باید تصمیم‌گیری شود؛ اما معیارهای پایه و تخصصی آن، بویژه در مورد اولویت‌های فرهنگ کلی باید در این‌جا مشخص گردد و نظر افراد نمی‌تواند در آن مؤثر باشد. در این‌جا تصمیم گرفته می‌شود که واقعیت‌هایی که مهم است در کدام دسته قرار گیرد: آن‌هایی که باید تقویت شود، آن‌هایی که باید ممانعت شود و آن‌هایی که مجاز به وقوع است، کدامند. نتایج نظرسنجی، «صحبت کردن چند نفر با هم» «صحبت کردن با موبایل» «سرقت وسایل» و «هم‌چنین» «خوابیدن در کناره‌ها» را در زمرهٔ فعالیت‌های نامطلوب درجه ۱ نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی برای عدم وقوع آن‌ها از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. در این‌جا از میان رفتارهای مورد بحث برای نمونه روی دو موضوع - یعنی نماز خواندن و خوابیدن در نمازخانه - می‌توان تمرکز کرد. مورد استثنایی در این زمینه، خوابیدن است که مجموعاً در روایات، حتی برای مساجد که تقدس فضایی بیش‌تری دارد، حکم به جواز آن داده شده است. مقایسهٔ نظر افراد در مورد خوابیدن در وسط با خوابیدن در کناره‌ها نشان می‌دهد که وقوع موضوع در کناره‌های فضا، چندان هم از نظر مردم نامطلوب نیست و با در نظر گرفتن

جواز فرهنگی، برنامه‌ریزی برای هدایت خوابیدن افراد از وسط به کناره‌ها و هدایت استقرار نمازگزاران به وسط، به عنوان یک استراتژی برنامه‌ای می‌تواند مورد نظر باشد. از سوی دیگر، از منظر رفتارهای ایده‌آل در مورد خود این موضوع در منابع مورد بحث به‌جز بحث «نماز خواندن» بویژه در شکل گروهی، موضوع «بدرقه» و «خواندن دعاهای سفر» از موارد ایده‌آل فرهنگی است که مخاطبان مورد بررسی نیز ضمن ارزش قائل شدن برای آن، وقوع آن‌ها را نسبتاً کم گزارش کرده‌اند و لذا برنامه‌ریزی برای تقویت این جنبه‌ها، اهداف دیگری را برای طراحی مطرح می‌کند. یکی از موارد مورد اختلاف میان ایده‌آل‌های فرهنگی و ایده‌آل‌های کاربران، «نماز جماعت» عمومی است که در این حالت، هدف برنامه‌ای عبارت خواهد بود از معطوف کردن تمایل به نماز جماعت عمومی به سمت نماز جماعت گروهی که از مشترکات ایده‌آلی مردم و فرهنگ کلی است. به عنوان نتیجهٔ روند فوق می‌توان موارد زیر را به عنوان اهداف رفتاری اعلام نمود:

تقویت رفتار نماز جماعت گروهی به جای نماز جماعت عمومی؛ تقویت حضور همراهان و مسافران و مقابله با مزاحمت‌های ناشی از این حضور برای نماز؛ تقویت امکانات وقوع رفتار مستحب پیش از سفر (دعاها) برای وارد شدگان به فضا و عابران از مجاورت آن؛ هدایت رفتار خوابیدن در نمازخانه به کناره‌ها و تقویت آن در عین حال تضعیف امکان وقوع فعل در میانهٔ فضا؛ و تنظیم موضع

مکانی رفتارهای عبوری و ثابت برای تسریع استفاده از فضا و تحقق ایده‌آل‌های فرهنگی حضور.

مرحله ۴. تعیین شرایط محیطی مثبت و منفی برای وقوع هر یک از رفتارهای مورد بحث

تفکیک این شرایط به چهار لایه، به شناخت مسائل و برقراری ارتباط میان رفتار و کالبد کمک می‌کند؛ در این مرحله، مسائل ایده‌آلی فرهنگ کلی (موارد مندرج در نمودار شماره ۳) یک‌بار

دیگر در تدقیق برنامه رفتاری به کار گرفته می‌شود؛ به عنوان نمونه، دو موضوع اصلی بخش پیش (خوابیدن و نماز خواندن) از لحاظ شرایط وقوع و الزاماتی که برای طراح بر مبنای اهداف فوق ایجاد می‌کند، در جدول زیر ارائه شده است (برخی موضوعها به عنوان مثال آورده شده است؛ وگرنه جدول، امکان توسعه بسیار بیش‌تری دارد).

جدول شماره ۴: برآورد تفصیلی الزامات رفتاری برای برنامه‌دهی نهایی (نمونه موردی: فعل خوابیدن و نماز خواندن)

مقایسه و تصمیم برنامه‌ای	نماز خواندن گروهی	خوابیدن مسافران	مرحله ۱: شناسایی رفتارها
	رفتار مطلوب در همه جا	رفتار نامطلوب در وسط فضا و مجاز در کناره فضا	مرحله ۲ و ۳: هدف‌گذاری رفتاری در برنامه
<p>-به ظهور رساندن خردفضاهای تعریف شده برای دسته نمازگزار ۴ تا ۸ نفری در میانه فضا؛</p> <p>-ارتفاع زیادتر سقف و در وسط و القای تغییر مقیاس از کناره به وسط؛</p> <p>-نور کمتر در کناره‌ها و تمرکز فضایی در وسط</p> <p>-تعریف مسیرهای عبور معین در سرتاسر فضا؛</p> <p>-امکان قرار دان وسایل در نقاط پراکنده (بویژه) در وسط به نحوی که در حین نماز گروهی در دیدرس افراد باشد؛</p> <p>-طراحی فضای واسط کاملاً تعریف شده میان نمازخانه و ترمینال و میان محل اصلی نماز گروهی در وسط و خوابیدن در کناره‌ها؛</p> <p>-تعریف جهت قبله بدون استفاده از محراب تو رفته؛</p> <p>-ایجاد نشانه‌های فرهنگی با سمبل‌های مجاز اسلامی در جهاتی از فضا که محل تمرکز نمازگزاران نباشد؛</p> <p>-امکانات جنبی برای یک حضور یک تا دو ساعته آرام فراهم شود؛</p> <p>-مقادیر عددی فواصل قلمروی و حدود معین شده در سنت (مثلاً نیم‌متر از دو طرف انسان، ۱/۲ متر از جلو و ۰/۵ از عقب) در مدولاسیون اجزا لحاظ شود؛</p> <p>-تنظیم جابه‌جایی صوت و دید میان فضای ترمینال و نمازخانه، به‌نحوی که حد مطلوبی از اطلاع از جمع، هم‌چنان باقی باشد؛</p> <p>-نظارت‌پذیری نسبی تمام فضای نمازخانه در عین حفظ حریم اقامت موقت، حفظ شود؛</p> <p>-پیوند حداکثری میان منظر طبیعی و آسمان با فضا برقرار گردد؛</p> <p>و ...</p>	<p>- دیده شدن امام جماعت گروه و پیوستگی صفوف جمع؛</p> <p>- شنیده شدن صدای امام جماعت؛</p> <p>- دمای آسایش عادی در محیط؛ امکان قرار دان وسایل زیاد؛</p> <p>- ممانعت از تجمع بوی نامطبوع پا، و ...</p> <p>- جدایی مکانی زن و مرد برای نماز و ...</p> <p>- حضور افراد متحرک در کل فضا، حواس را پرت می‌کند؛</p> <p>- هر صدایی که کمی بلند باشد از هر سمت که باشد، موجب می‌شود، اکثر افراد در نماز اشتباه کنند؛</p> <p>- حدود مرز ایجاد ناراحتی در اثر عبور افراد، از چپ و راست، ۱ متر از روبه‌رو، ۲ متر از پشت سر، ۱/۵ متر است؛</p> <p>- اینکه فرد حس کند از پشت سر دیده می‌شود، در حالت فردی تمرکز را بهم می‌زند؛</p> <p>- بی‌اطلاعی کامل از اوضاع بیرون، مانع تمرکز حواس می‌شود (بدلیل نگرانی از ازدست دادن پرواز یا همراهان و ...).</p> <p>- کنترل صدا و اطلاع رسانی با صدای بلند</p>	<p>- دمای محیط نسبت به حالت عادی، بالاتر باشد؛</p> <p>- صدا چندان اهمیتی ندارد؛</p> <p>- از سمت بالا و پایین ۲۰ سانتی‌متر و از چپ و راست حدود نیم متر امکان جابه‌جایی باشد؛</p> <p>- زیرانداز به اندازه کافی نرم باشد؛</p> <p>- فضا نور زیادی نداشته باشد؛</p> <p>- بتوان وسایل را در جای امنی گذاشت و ...</p> <p>- مسیر عبور نباشد؛</p> <p>- از جانب سر بتوان به نحو مؤثری منطقه خوابیدن را حفاظت کرد؛</p> <p>- وسایل در دید باشد، از درب ورودی دیده نشود؛</p> <p>- در محل‌هایی نباشد که افراد معمولاً تجمع و صحبت می‌کنند؛</p> <p>- روبه‌روی یک جمع قرار نگیرد؛</p> <p>- بی‌اطلاعی کامل از اوضاع بیرون، مانع عمیق شدن خواب می‌شود (بدلیل نگرانی از ازدست دادن پرواز یا همراهان و ...)</p> <p>- حالات نامناسب خوابیدن از نظر فرهنگی، قابل تذکر و تصحیح باشد و ...</p>	<p>رابطه مجرد خود فعل (یا حضور) فرد (یا گروه) مخاطب با کالبد؛</p> <p>شرایط محیطی مؤثر آنی - (شرایط فیزیکی، شرایط فیزیولوژیکی، ادراکات ضمنی)</p> <p>رابطه فعل (یا حضور) فرد (یا گروه) مخاطب با دیگران بواسطه کالبد؛</p> <p>شرایط روانی - اجتماعی آن - (حضور، محرمیت، خلوت)</p>
	<p>- تعریف شدگی حوزه گروه از جلو و جایی که امام جمع می‌ایستد، مهم است؛</p> <p>- از کناره‌ها امکان شناخت مرز عبوری از فاصله یک متر، اهمیت دارد که در این فاصله بتوان وسایل جمع را بدون مزاحمت و نگرانی قرار داد؛</p> <p>- تعیین مرزها و آن‌جا که ناخودآگاه مکان مقدس باید به خودآگاه تبدیل شود؛</p> <p>- امکان تشخیص حد افراد نمازگزار در تابستان و زمستان (نیم ذراع و یک ذراع)؛ ...</p>	<p>- تعریف حوزه به فاصله یک متر از اطراف ممکن باشد؛</p> <p>- مکان اشیای شخصی به نحو قابل توجهی قابل نشانه‌گذاری باشد؛</p> <p>- در محل‌هایی که دارای نشانه‌گذاری قلمروی دیگر هستند، نباشد؛</p> <p>- روبه‌روی محراب حس نشود؛</p> <p>- امکان حفظ حریم‌های موقت با توجه به جواز برخی امور نظیر بیتوته یا خواب، متناسب با آن افعال؛</p> <p>- نهی از بلندی سقف در مکان بیتوته</p>	<p>رابطه ادراکی فرد (یا گروه) مخاطب با دیگران بواسطه کالبد؛</p> <p>شرایط روانی - اجتماعی مرتبط با تجربیات طول عمر - (برچسب‌های روانی محیط: قلمرو، فضای شخصی و ...)</p>
	<p>- عدم وجود نشانه‌های آشنای مسجد مانند محراب یا کاشی، حس مکان را کمتر می‌کند؛</p> <p>- تشخیص جهت‌داری فضا به سمت قبله، عامل هویتی اصلی در مکان از نظر مردم است؛</p> <p>- دیده شدن منظر غیراسلامی افراد حاضر در محیط بیرون، هویت مکان را مخدوش می‌کند؛</p> <p>- عدم استفاده از محراب‌های توفرتنه در دیوار، منفی سمبل‌های فرهنگ‌های غیراسلامی؛</p> <p>- منفی عوامل بصری غفلت‌زا؛</p> <p>- کمترین مانع میان انسان ذاکر و آسمان و جهان در حال ذکر (کالبد حدّ اقلی)</p>	<p>- مقیاس فضا چندان بزرگ و با عظمت القا نشود؛</p> <p>- عمود بر محور فضا نباشد، فضا، احساس جمعی شدیدی القا نکند،</p> <p>- فضا به گونه‌ای نباشد که خوابیدن در آن حس توهین ایجاد کند؛</p> <p>- حس خانگی در فضا وجود داشته باشد؛ ...</p>	<p>رابطه ادراکی فرد (یا گروه) مخاطب با کالبد؛</p> <p>شرایط روانی - اجتماعی مرتبط با تجربیات جمعی (فرهنگی) - (معنا و هویت)</p>

مرحله ۴: تفصیل ویژگی‌های رفتارها

نتیجه گیری

نوع حضور اراده شده در فضای معماری در گرو رفتارهای انسانی اراده شده در طراحی آن است که در طول تاریخ معماری دیدگاه‌های متفاوتی در مورد آن مطرح و اجرا شده است. ضعف اساسی رویکردهای اثبات‌گرای معاصر در نفی نقش فرهنگ‌های کلی موضوعی است که روندهای پیشنهادی از سوی آن‌ها را برای فرهنگ اسلامی ناکافی نشان می‌دهد. در نوشتار حاضر با در نظر گرفتن تنظیم رفتار به عنوان بخشی از برنامه‌دهی، مدلی عملیاتی برای این کار ارائه شده که جایگاه فرهنگ کلی در آن از نقش حاشیه‌ای به عامل الگو دهنده و کنترل‌کننده فرآیند تغییر داده شده است. در اعمال مدل بر برنامه‌دهی نمونه موردی نمازخانه ترمینال فرودگاه‌ها نشان داده شد که واقعیت‌های رفتاری (شامل میزان وقوع رفتارها و نیز نظر کاربران نسبت به آن‌ها) می‌تواند مبنایی واقعی را برای «چانه‌زنی» برنامه‌ای فراهم کند که به جز طراحی و کارفرما، فرهنگ کلی (در این جا، اسلامی) نیز می‌تواند طرف قوی آن باشد و ماحصل آن به صورت الزامات طراحی برآمده از فرهنگ کلی و واقعیت‌های رفتاری در چهار حوزه طرح شده در نمودار شماره ۳ (رابطه مجرد خود فعل مخاطب با کالبد، رابطه فعل مخاطب با دیگران بواسطه کالبد، رابطه ادراکی مخاطب با دیگران بواسطه کالبد، رابطه ادراکی مخاطب با کالبد) ارائه گردد. به این صورت نقش فرهنگ کلی از فیلتر ارزش‌ها در مدل برنامه‌دهی دورک، به نقش تعدیل‌کننده و ایده‌دهنده در مدل حاضر قابل ارتقا خواهد بود و در تعیین الزامات طراحی نقش آن از حاشیه، وارد متن می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Der Stil
2. Convivial cities
۳. در پارادایم متأخری که در تحقیقات روان‌شناسی محیطی تحت عنوان «پارادایم بستگی متقابل انسانی» (The Human Interdependence Paradigm) معرفی شده است (Garling et al., 2002)، به نقش هنجارهای فردی و گروهی در تصمیم‌های انفرادی و نقش هنجارها در تسهیل انتخاب توجه شده است؛ اما در این شاخه نیز اول آن که ارزش‌گذاری‌ها بر روابط متقابل انسان‌ها و رفتار «درست» اجتماعی متمرکز نشده است. دوم تکیه بر نظریه بازی (Game Theory) در مباحث هنجاری، هنجارها را فاقد مبنای ثابت یا حقیقی می‌نمایاند و به آن تنها به عنوان منشأ منفعت عینی نظر می‌شود؛ سوم آن که، اخلاق مطرح در این جا عمدتاً به مباحث اکولوژی طبیعی مربوط است و به اخلاق انسانی و دینی کم‌تر توجه می‌شود.

4. Rittel & Webber

فهرست منابع و مراجع

۱. قرآن کریم.
۲. استیونسون، دورا (۱۳۸۸)، **شهرها و فرهنگ‌های شهری**، ترجمه رجب پناهی و احمد پوراحمد، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری، تهران.

۳. آریا، آنتونی (۱۳۸۸)، **درآمدی بر فلسفه معاصر غرب**، انتشارات گام نو، تهران.
۴. بنه وُلو، لئوناردو (۱۳۸۴)، **تاریخ معماری مدرن ج ۱: شهر صنعتی (۱۸۶۰-۱۷۶۰)**، ترجمه علی محمد سادات افسری، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۵. پاکزاد، جهان‌شاه و بزرگ، حمیده (۱۳۹۱)، **الفبای روانشناسی محیط برای طراحی**، آرمانشهر، تهران.
۶. تانکیس، فرن (۱۳۹۰)، **فضا، شهر و نظریه اجتماعی**، ترجمه: حمیدرضا پارسا و آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۷. حسن بن علی [امام یازدهم علیه السلام]، (۱۴۰۹ ق.)، **التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري علیه السلام**، مصحح: مدرسه امام مهدی علیه السلام، مدرسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم.
۸. دورک، دانا پی. (۱۳۸۹)، **برنامه‌دهی معماری: مدیریت اطلاعات برای طراحی**، ترجمه: سید امیرسعید محمودی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۹. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۳۶۷)، **من لا یحضره الفقیه، [قرن ۴ هـ ق]**، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.
۱۰. صالحی، اسماعیل (۱۳۸۷)، **ویژگی‌های فضای شهری امن**، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
۱۱. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۶۵)، **مکارم الاخلاق**، [قرن ۶ هـ ق]، ترجمه ابراهیم میرباقری، چاپ دوم، فراهانی، تهران.
۱۲. عباس‌زاده، محمدجواد (۱۳۹۲)، **طراحی نمازخانه (نمونه موردی: نمازخانه ترمینال ۴ فرودگاه مهرآباد)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری داخلی، استاد راهنما: عیسی حجت، استاد مشاور: محمدفرضیان، پردیس هنرهای زیبا دانشگاه، تهران.
۱۳. عضدانلو، حمید (۱۳۸۸)، «مکس وبر و عقلانیت مدرن»، **در اطلاعات سیاسی اقتصادی**، ۱۳۸۸، ش ۲۶۰-۱۵۹، صص ۱۰۰-۱۲۳.
۱۴. کلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، **گزیده کافی**، به کوشش محمد باقر بهبودی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۱۵. گروت، لیندا و وانگ، دیوید (۱۳۸۴)، **روش‌های تحقیق در معماری**، ترجمه علیرضا عینی فر، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
۱۶. لنگ، جان (۱۳۸۱)، **آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط**، ترجمه علیرضا عینی فر، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
۱۷. مرتضوی، شهرناز (۱۳۸۰)، **روانشناسی محیط و کاربرد آن**، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۸. ناری قمی، مسعود (۱۳۸۹)، «مطالعه‌های معناشناختی در باب مفهوم درونگرایی در شهر اسلامی»، **فصلنامه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی**، ش ۴۳، پاییز ۱۳۸۹، صص ۸۲-۶۹.
۱۹. ناری قمی، مسعود (۱۳۹۱)، «تقدس فراگیر فضا در اسلام»، **فصلنامه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی**، دوره ۱۷، ش ۴، زمستان ۱۳۹۱، صص ۴۹-۶۰.
۲۰. ناری قمی، مسعود (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه مسکن اسلامی و تولید (نمونه موردی شهر قم)»، **در مجموعه مقالات منتخب دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی (از نظریه تا کاربرد در دنیای معاصر)**، دفتر اول - معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، صص ۱۹۶-۱۷۱.

21. Ballantyne A. (2002), "Commentary: The Nest & the Pillar of Fire", in What is Architecture, edited by: A. Ballantyne, London, Routledge, pp.7-52.

36. Ward, A., (1996), "The Suppression of the Social in Design: Architecture as War", chapter2 in *Reconstructing Architecture: Critical Discourses and Social Practices*, Edited by: T.A. Dutton and L. Hurst Mann, Minneapolis, University of Minnesota Press, pp.27-70.
22. Banerjee, T. D. (2007), "**The future of public space: beyond invented streets and reinvented places**", chapter17 in *Urban design reader*, edited by: Matthew I. Carmona & Steven Tiesdell, UK: Architectural Press, pp.153-162.
23. Brey, P. (2006), "**Ethical Aspects of Behavior-Steering Technology**", Chapter 33 in *User Behavior and Technology Development: Shaping Sustainable Relations Between Consumers and Technologies*, edited by: P.P. Verbeek & A. Slob, Netherlands, Springer, pp.357-364.
24. Dutton, T.A. & Hurst Mann, L. (1996), "**Introduction: Modernism, Postmodernism and Architecture's Social Project**", chapter1 in *Reconstructing Architecture: Critical Discourses and Social Practices*, Edited by: T.A. Dutton and L. Hurst Mann, Minneapolis, University of Minnesota Press, pp.1-26.
25. Gärling, T., Biel, A. and Gustafsson, M. (2002), "**The New Environmental Psychology: The Human Interdependence Paradigm**", Chapter5 in *Handbook of Environmental Psychology*, edited by: R.B. Bechtel & A. Churchman, New York, John Wiley & Sons Inc., pp.85-94.
26. Gehl, J. (2007), "**Three types of outdoor activities; Outdoor activities and quality of outdoor space**", chapter15 in *Urban design reader*, edited by: Matthew I. Carmona & Steven Tiesdell, UK: Architectural Press, pp.143-146.
27. Heynen, H. (1999), *Architecture and modernity: a critique*, USA, MIT press.
28. Hvattum, M. (2006), "**Origins redefined: a tale of pigs and primitive huts**", chapter3 in *Primitive: original matters in architecture*, edited by: J. Odgers, F. Samuel and A. Sharr, New York, Routledge, pp.33-42.
29. MacCormac, R. (2005), "**Architecture, art and Accountability**", Chapter 5 in *Architecture and Its Ethical Dilemmas*, edited by: N. Ray, UK, Routledge, pp.49-54.
30. Mallgrave, H. F. (2005), *Modern Architectural Theory: A Historical Survey, 1673–1968*, Cambridge University Press, UK.
31. Rapoport, A., (1980), "**Cross-Cultural Aspects of Environmental Design**", chapter1 in *Environment and culture*, edited by: I. Altman, A. Rapoport and J. F. Wohlwill, New York, Springer Science+Business Media, pp.7-46.
32. Rapoport, A., (1983), "**Development, culture change and supportive design**", in *Habitat International*, Vol.7, issue 5-6, pp.249-268.
33. Rapoport, A., (2008), "Some Further Thoughts on Culture and Environment", in *Archnet-IJAR*, International Journal of Architectural Research, Vol. 2, Issue 1, March 2008, pp.16-39.
34. Sanoff, H., (2000), *Community Participation Methods in Design and Planning*, New York, Wiley & Sons Inc.
35. Towers, G., (1995), *Building democracy: Community Architecture in the Inner Cities*, London, UCL Press.